



انجمن علمی فقه‌پژای تطبیقی ایران



فصلنامه حقوق برای بین الملل

Volume 3, Issue 1, 2025

Jurisdiction of the International Criminal Court on War Crimes

Sara Rostami*¹

1. Assistant Professor and Member of the Faculty of the Department of Law and Social Sciences, Payame Noor University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 9-19

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0003-0672-3616

TELL: +989353919437

Email: Dr.Rostami@pnu.ac.ir

Article history:

Received: 02 Aug 2023

Revised: 08 Oct 2023

Accepted: 29 Nov 2023

Published online: 21 Mar 2025

Keywords:

War Crimes, International Criminal Court, Jurisdiction, Statute.

ABSTRACT

This article examines the jurisdiction of the International Criminal Court (ICC) over war crimes in both international and non-international armed conflicts. Focusing on the amendments to Article 8 of the Rome Statute adopted at the Kampala Review Conference (2010), the study highlights how these amendments expanded the Court's jurisdiction to include the use of prohibited weapons in non-international conflicts. Using a descriptive-analytical method and library resources, the research confirms the hypothesis linking war crimes to armed conflicts and argues that the criminal responsibility of perpetrators aligns with the Court's judicial authority. The paper also addresses challenges such as defining war crimes, legal distinctions between international and non-international conflicts, and the role of reforms in bridging these gaps. It concludes by suggesting that official interpretations or amendments to the Statute are necessary to clarify ambiguities and enhance the ICC's effectiveness in prosecuting war crimes. The findings underscore the importance of ongoing legal reforms to ensure accountability and justice in the context of armed conflicts.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2025 The Authors.

How to Cite This Article: Rostami, S (2025). "Jurisdiction of the International Criminal Court on War Crimes". *Journal of International Criminal Law*, 3(1): 9-19.

مقدمه

در ساعت ۱۱ عصر روز ۱۰ ژوئن ۲۰۱۰ نخستین کنفرانس بازنگری پیرامون اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی در شهر کامپالا از کشور اوگاندا تشکیل شد. این لحظه تاریخی، مربوط به ایجاد تغییرات اندکی در مقررات جنایات جنگی است، اما بخشی از حرکت گسترده‌تر برای کاهش یا حذف تفاوت بین حمایت‌های موجود در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و غیربین‌المللی به‌شمار می‌رود. روندی که در آن اصلاحات به طرز موفقیت‌آمیزی پذیرفته شد، به‌منظور تلاش‌های آینده برای انجام تغییرات در اساسنامه رم نیز مفید می‌باشد.

براساس اصلاحات انجام‌شده، صلاحیت فعلی دیوان کیفری بین‌المللی نسبت به جنایات جنگی در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی مندرج در ماده ۸(۲) «ب»، ۱۷، ۱۸ و ۱۹ با داخل کردن جرایم در ماده ۸(۲) «ه» اساسنامه به‌عنوان بندهای جدید ۱۳، ۱۴ و ۱۵ مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی را هم دربر می‌گیرد. سه نوع جرم در این زمینه مطرح است: ۱- استفاده از سم یا سلاح‌های سمی؛ ۲- استفاده از گازهای خفه کننده، سمی یا سایر گازها و تمام سیالات، مواد و ابزارهای مشابه؛ ۳- استفاده از گلوله‌هایی که به‌آسانی در بدن انسان پخش می‌شود. باتوجه به اصلاحات، هر دولتی که اصلاحات را بپذیرد بعد از یک‌سال از تصویب برای آن دولت الزام‌آور خواهد بود. دولت‌هایی که اصلاحات را تصویب نکنند، برای آن‌ها الزام‌آور نخواهد بود. مخاصمات مسلحانه بین‌المللی که حداقل دو کشور در آن درگیر هستند، مشمول حدود ۶۰۰ قاعده مندرج در چهار کنوانسیون ژنو ۱۹۴۹ و پروتکل الحاقی اول ۱۹۷۷ است. مجموعه‌ای از قواعد محدودکننده‌تر (تنها ۲۹ مورد) نسبت به مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی مربوط به نبرد بین مقامات دولتی و گروه‌های مسلح یا بین چنین گروه‌هایی در درون یک دولت، اجرا می‌شود. ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های ژنو و پروتکل الحاقی دوم، مهم‌ترین اسنادی است که بر این مخاصمات حاکم است.

علی‌رغم اختلاف در قواعد قابل اجرا در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و غیربین‌المللی، نشانه‌هایی وجود دارد که حقوق بین‌الملل عرفی به‌سمت رویکرد مشترک نسبت به انواع مختلف مخاصمات در حرکت است. شعبه تجدید نظر دیوان کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی در تصمیم مهم مقرر داشت که برخی از قواعد عرفی که در اصل تنها نسبت به مخاصمات مسلحانه بین‌المللی اجرا می‌شود، اکنون نسبت به مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی نیز در حال گسترش است (Stewart, 2003: 56).

مطالعه و ارزیابی کمیته بین‌المللی صلیب سرخ از مقررات حقوق بشردوستانه بین‌المللی نشان می‌دهد که بسیاری از قواعد عرفی در هر دو مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و غیربین‌المللی اجرا می‌شود. اساسنامه دیوان با گنجانیدن چندین جنایت جنگی قابل اجرا به مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و غیربین‌المللی از کنوانسیون‌های ژنو و پروتکل‌های الحاقی فراتر می‌رود. باوجود این، تدوین‌کنندگان اساسنامه با تفکیک بین جنایات جنگی موضوع ماده ۸(۲) «الف» و «ب» (مخاصمه مسلحانه بین‌المللی) و ماده ۸(۲) «ج» و «ه» (مخاصمه مسلحانه غیربین‌المللی) تمایز کلی را بیان می‌دارد و اولی را از دومی گسترده‌تر می‌سازد، ازجمله هنگامی که به سلاح‌های ممنوعه مربوط باشد. اصلاحاتی که در ماده ۸ در کامپالا صورت گرفته، گامی درجهت پرکردن خلأ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی و همچنین خلأ حقوق بشردوستانه بین‌المللی معاهداتی و عرفی به‌شمار می‌رود.

۱- شناسایی و تبیین جنایات ارتكابی در پرتو اسناد حقوق بشردوستانه

در بررسی اقدام‌های معادل جنایات جنگی، طبقه‌بندی مخاصمات مسلحانه براساس نوع آن، اولین مرحله در فرایند تشخیص خواهد بود، زیرا (حقوق بشردوستانه بین‌المللی) که خطرترین تخلفات از آن معادل جنایات جنگی است، برای دو نوع متفاوت از موقعیت‌های مخاصمات مسلحانه (اعم از بین‌المللی و غیربین‌المللی) قابل اجراست. به‌علاوه، این وجه

۱- اصلاحات ماده ۸ اساسنامه رم، قطعنامه کنفرانس بازنگری، قطعنامه شماره ۵، ۱۰ ژوئن ۲۰۱۰ (قطعنامه اصلاحی).

بین‌المللی و از جمله اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی درباره شمول جنایت تجاوز و یا نحوه اعمال صلاحیت در خصوص این جنایت به توافق برسند. این عوامل عبارتند از: ۱- سیاسی بودن جنایت تجاوز؛ ۲- دشوار بودن تعریف جنایت تجاوز؛ ۳- وجود شرط رهبری در جنایت تجاوز.

۱-۱- سیاسی بودن جنایت تجاوز

این عامل حاکی از این است که اتهام یک فرد به جنایت تجاوز منوط به ارتکاب این جنایت یا سایر اعمال برهم‌زننده صلح بین‌المللی توسط یک دولت است. در فرایند تدوین اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، این ویژگی سبب شد بحث‌های مفصلی درباره موضوعاتی همچون نقش شورای امنیت، تأثیر رضایت دولت‌ها و تعیین شرایط آستانه صلاحیت دیوان در خصوص جنایت تجاوز صورت گیرد، مثلاً از نظر یکی از حقوق‌دانان، موکول شدن اعمال صلاحیت دیوان در خصوص جنایت تجاوز به آینده، به این دلیل است که فصل هفتم منشور ملل متحد وظیفه پاسداری از صلح و امنیت بین‌المللی و جلوگیری از تجاوز و احراز آن را به شورای امنیت سازمان ملل متحد واگذار کرده است (باقری، ۱۳۸۴: ۴۵). همچنین گفته شده است: اعضای دائم شورای امنیت ... خواهان رفع نگرانی خود در خصوص این موضوع شدند که ممکن است اساسنامه دیوان برای اصلاح منشور مورد استفاده قرار گیرد و بدین‌وسیله به صلاحیت شورای امنیت در تشخیص تحقق تجاوز، خدشه وارد شود (ارسنجانی، ۱۳۹۰: ۸۲). در هر حال، اصلاحیه‌های کامپالا، دولتی بودن جنایت تجاوز را با این عبارات بیان کرده اند:

۱- در چهارچوب این اساسنامه (جنایت تجاوز)، یعنی برنامه ریزی، تدارک، آغاز یا اجرای یک عمل تجاوز کارانه که ... نقض آشکار منشور ملل متحد محسوب می‌شود.

۲- منظور از (عمل تجاوز کارانه) در چهارچوب بند ۱، استفاده یک دولت از نیروهای مسلح است علیه حاکمیت، تمامیت سرزمینی یا استقلال سیاسی دولت دیگر یا به هر شیوه دیگری که با منشور ملل متحد ناسازگار باشد (کامپالا، ۲۰۱۰: ۵۲). همان‌طور که ملاحظه می‌شود، به‌موجب ماده ۸ مکرر اصلاحیه‌های کامپالا، وقوع جنایت تجاوز توسط افراد منوط به

تمایز، اصل و مبنایی است که همچون قواعد مقرر در ماده ۸ از اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی عمل می‌کند (Rome Statute, 1998: 63).

تصریح اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی در مورد جنایات جنگی، مدارک و شواهد جنایات جنگی را بر مبنای مخاصمات مسلحانه تقسیم‌بندی کرده است. این وجه تمایز از این نظر حائز اهمیت است که نظام حقوقی قابل اجرا، یعنی مجموعه قواعد مربوطه حقوق بشردوستانه را برای تمام مخاصمات خاص تعیین می‌کند. گزارش بررسی مقدماتی دفتر دادستانی دیوان کیفری بین‌المللی به‌طور دقیق مطابق این وجه تمایز، اقسام مخاصمات را طبقه‌بندی کرده است (Prosecutor, 1995: 120). مطابق گزارش دادستان دیوان کیفری بین‌المللی، درگیری‌ای که در قلمرو حاکمیت کریمه و شهر «سواستوپول» رخ داد، به‌عنوان یک مخاصمه مسلحانه بین‌المللی میان اوکراین و روسیه در نظر گرفته می‌شود. به‌نظر می‌رسد این مخاصمات در بیست‌وششم فوریه ۲۰۱۴ آغاز و نیروهای مسلح روسیه بدون کسب اجازه از دولت مستقر به‌منظور اعمال قدرت در قلمرو حاکمیت اوکراین، مستقر شدند. لازم به‌ذکر است، دادستان دیوان کیفری بین‌المللی مکلف به ارائه چنین گزارشی نبوده و الزامی نداشته است تا سند و مدرکی دال بر احراز حقایق و اقدام‌ها و پیشینه رفتاری ارائه نماید. دفتر دادستانی دیوان کیفری بین‌المللی گزارشی را تنظیم نمود که طی آن مقرر شد وضعیت در قلمرو حاکمیت کریمه و سواستوپول به‌طور حقیقی به‌مثابه وضعیت «اشغال دائمی» در نظر گرفته شود. گزارش دادستانی در ادامه مقرر کرده است که بنابر اهداف اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، یک مخاصمه مسلحانه، در صورتی می‌تواند ماهیت بین‌المللی داشته باشد که یک چند کشور بخشی از قلمرو حاکمیت یک دولت را با مخاصمه مسلحانه یا بدون آن به اشغال خود دربیآورند (Office of the Prosecutor, 2016: 185). مفهوم کلی اشغال تاکنون به‌طور جامع در حقوق معاهدات معاصر، در هیچ‌یک از کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو یا در پروتکل اول الحاقی تعریف نشده است. تعریف ساده و موجز مقرر در مقرره‌های لاهه (۱۹۰۷) یافت می‌شود. در مجموع به‌نظر می‌رسد سه عامل عمده باعث شده است که دولت‌ها نتوانند در چهارچوب اساسنامه دیوان‌های

الذکر، ارجاع به قطعنامه ۳۳۱۴ را با یک شرط آستانه ترکیب کرد و مقرر داشت: ۱- در چهارچوب این اساسنامه (جنایت تجاوز، یعنی ... عمل تجاوزکارانه‌ای ... که به‌واسطه ماهیت، شدت و گستره‌اش، نقض آشکار منشور ملل متحد محسوب می‌شود؛ ۲- منظور از (عمل تجاوزکارانه) در چهارچوب بند ۱، استفاده یک دولت از نیروهای مسلح است علیه حاکمیت، تمامیت سرزمینی یا استقلال سیاسی دولت دیگر، یا به هر شیوه دیگری که با منشور ملل متحد ناسازگار باشد. هریک از اعمال ذیل، فارغ از اعلام یا عدم اعلام جنگ، مطابق قطعنامه ۳۳۱۴ مجمع عمومی ملل متحد مورخ ۱۴ دسامبر ۱۹۷۴، واجد شرایط عمل تجاوزکارانه است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، در کنار ارجاع بند ۲ ماده ۸ مکرر به قطعنامه ۳۳۱۴، بند ۱ این ماده با بیان این‌که لازم است عمل تجاوزکارانه (به‌واسطه ماهیت، شدت و گستره‌اش، نقض آشکار منشور ملل متحد) باشد، تعریف تجاوز در چهارچوب اساسنامه دیوان را نسبت به تعریف تجاوز در قطعنامه ۳۳۱۴ محدود کرده است (Niyamoto, 2012: 63).

۳- وجود شرط رهبری در جنایت تجاوز این ویژگی بیانگر این نکته است که برخلاف سایر جنایات بین‌المللی که هر فردی می‌تواند مرتکب آن‌ها بشود، جنایت تجاوز منحصرأ مربوط به مقام‌های ارشد حکومتی است، اگرچه در کنفرانس کامپالا، در این باره اختلاف نظر وجود نداشت (Kerb, 2010: 56)، اما بدیهی است رؤسای کشورها که خود را در معرض تعقیب دیوان کیفری بین‌المللی می‌دیدند، مایل به شمول جنایت تجاوز در صلاحیت دیوان نبودند و این موضوع یکی از موانع شمول این جنایت در صلاحیت دیوان بود. در هر حال، اصلاحیه‌های کامپالا در دو موضع و با عبارات زیر، بر شرط رهبری در جنایت تجاوز تأکید کرده‌اند: در چهارچوب این اساسنامه (جنایت تجاوز)، یعنی برنامه‌ریزی، تدارک، آغاز یا اجرای یک عمل تجاوزکارانه توسط فردی که در موقعیت اعمال کنترل یا هدایت عملی اقدام سیاسی یا نظامی یک دولت قرار دارد، درباره جنایت تجاوز، مقررات این ماده فقط نسبت به افرادی به‌کار می‌رود که در موقعیت اعمال کنترل یا هدایت عملی اقدام سیاسی یا نظامی یک دولت قرار دارند (Helk, 2012: 22).

استفاده یک دولت از نیروهای مسلح علیه دولت دیگر است، درضمن، جنایت تجاوز منوط به نقض منشور ملل متحد شده است و منشور اصولاً حاوی تعهدات دولت‌ها است، نه تکالیف افراد.

دشواری‌بودن تعریف جنایت تجاوز عامل دیگری که مانع از شمول جنایت تجاوز در اساسنامه دیوان‌های کیفری بین‌المللی شده است، اختلاف درباره تعریف جنایت تجاوز است و می‌توان گفت این موضوع یکی از مشکل‌ترین مفاهیم حقوق بین‌الملل در صدسال گذشته بوده است. بیانیه‌های صادرشده توسط هیأت‌های نمایندگی حاضر در کنفرانس رم نیز حاکی از نظرهای متفاوت و بعضاً غیرقابل جمع دولت‌ها درباره تعریف جنایت تجاوز است (آقایی، ۱۳۹۰: ۳۲).

البته بعضی از هیأت‌های نمایندگی و از جمله هیأت نمایندگی ایران به‌درستی معتقد بودند تعریف تجاوز در قطعنامه شماره ۳۳۱۴ مجمع عمومی ملل متحد مورخ ۱۹۷۴ تعریفی قابل قبول در نظام بین‌المللی است (باقری، ۱۳۸۴: ۷۴)، اما نباید فراموش کرد که هدف قطعنامه فوق‌الذکر، بیان یکی از اعمال خلاف بین‌المللی دولت‌ها و مسؤولیت بین‌المللی ناشی از آن بود، اما هدف از شمول تجاوز در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، بیان یکی از جرایم بین‌المللی افراد و مسؤولیت کیفری فردی ناشی از آن است. به‌عبارت دیگر، نمی‌توان انتظار داشت همان تعریفی که برای جنایت تجاوز به‌عنوان عامل مسؤولیت بین‌المللی دولت‌ها به‌کار می‌رود، لزوماً به‌عنوان تعریف جنایت تجاوز ارتكابی توسط افراد در قالب اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی وارد شود. از این‌رو، در کنفرانس کامپالا اختلاف اساسی درباره تعریف تجاوز، بر این موضوع متمرکز بود که آیا از تعریف تجاوز مذکور در قطعنامه ۳۳۱۴ استفاده بشود یا نه. در مجموع، سه دیدگاه در این مورد مطرح شد: ۱- گروهی مخالف استفاده از تعریف تجاوز مندرج در قطعنامه ۳۳۱۴ بودند؛ ۲- گروه دیگر خواستار استفاده از این تعریف بدون هرگونه تعبیری در آن بودند؛ ۳- گروه سوم اعتقاد داشتند در صورت استفاده از این تعریف باید شرایطی را جهت بالابردن آستانه صلاحیت دیوان به آن اضافه کرد (بلدسو و بوسچک، ۱۳۹۵: ۳۸). درنهایت، اصلاحیه کامپالا بر مبنای نظر گروه سوم فوق

است که ممکن است اجازه رسیدگی به جرایمی که نزد دیوان از اهمیت کافی برخوردار است، به آن‌ها داده شود. صلاحیت دیوان در مقدمه اساسنامه تعریف شده است که مربوط به «شدیدترین جرایم نگران‌کننده جامعه بین‌المللی به‌عنوان یک کل» است و به‌موجب ماده ۱۷ اساسنامه قضات می‌توانند تحت عنوان جرایم غیرقابل استماع که از اهمیت کافی برخوردار نیست، آن‌ها را رد نمایند. عواملی که به‌منظور تعیین اهمیت کافی استفاده می‌شود، از سوی دیوان، کاملاً مشخص شده است، لکن مطابق با نظر دادستان، شامل تعداد بزه‌دیدگان و آثار جرایم می‌شود.

چنانچه جرم از اهمیت کافی برخوردار باشد، باز هم صلاحیت دیوان نسبت به جنایات جنگی بستگی به این خواهد داشت که آیا وضعیت «مخاصمه مسلحانه» به‌شمار می‌رود یا خیر. ماده ۸ تصریح می‌کند که این ماده، نسبت به وضعیت‌های آشوب و تنش‌های داخلی نظیر شورش‌ها، اعمال خشونت‌آمیز منفرد یا پراکنده یا اعمال مشابه دیگر اجرا نمی‌شود (Trial Chamber, 2008: 87).

درخصوص جرایم مذکور در ماده ۸(۲) «ه» اساسنامه (ازجمله سلاح‌های ممنوعه)، ماده ۸(۲) «و» اضافه می‌کند که: «این بند در مورد منازعات مسلحانه‌ای قابل اجراست که در قلمرو دولتی اتفاق می‌افتد که منازعه مسلحانه طولانی مدت میان نیروهای حکومت و گروه‌های مسلح سازمان‌یافته یا میان چنین گروه‌هایی وجود دارد» (Trial Chamber, 2008: 85).

به‌عبارت دیگر، برای اجرای مقررات اساسنامه درخصوص سلاح‌های ممنوعه، اعمال خشونت‌آمیز باید دارای سه شرط اساسی باشد، یکی موقت و دو تا کیفی: ۱- خشونت باید طولانی مدت باشد نه منفرد و پراکنده؛ ۲- باید بین گروه‌های مسلح سازمان‌یافته باشد؛ ۳- به‌طور کلی باید از اهمیت کافی برخوردار باشد.

۱-۲- مشخصه مسلحانه در مقابل اجرای قانون

یکی از بحث‌برانگیزترین بخش‌های ماده ۸ اساسنامه، گسترش صلاحیت دیوان نسبت به جنایت جنگی استفاده از «گلوله‌هایی که به‌آسانی در بدن انسان منسبط یا پهن می‌شوند» به مشخصات مسلحانه غیربین‌المللی است.

مطابق با نظر کمیته بین‌المللی صلیب سرخ جهانی، رویه عملی دولت‌ها، ممنوعیت استفاده از چنین گلوله‌هایی را به‌عنوان قاعده حقوق بین‌الملل عرفی قابل اجرا در هر دو مشخصات مسلحانه بین‌المللی و غیربین‌المللی مسلم می‌کند^۱، لیکن برخی دولت‌ها چنین گلوله‌هایی را به هدف اجرای قانون داخلی استفاده می‌کنند، مانند جایی که برای مقابله با فرد مسلح در منطقه پرجمعیت لازم است، یک تیر، یک قتل را تضمین نماید^۲، در عین حال که خطر صدمه به شخص ثالث را محدود می‌نماید. برای مثال، پلیس لندن، در سال ۲۰۰۵ برای تیراندازی به‌سمت یک مظنون به تروریسم که بر روی سکوی پرجمعیت ایستگاه قطار ایستاده بود، از گلوله‌های دام - دام استفاده کرد^۳. دولت‌هایی که نگران بودند که اصلاحات (ماده ۸) این رویه‌ها را جرم‌انگاری کند، در کامپالا هشدار دادند که جنایات جنگی تنها در وضعیت مخصوصه مسلحانه ارتکاب می‌یابد و وضعیت‌هایی که مشمول مخصوصه مسلحانه نمی‌شود، نظیر فعالیت‌های مربوط به اجرای قانون، از صلاحیت دیوان خارج است. این وضعیت‌ها به نظام حقوق بشر و حقوق کیفری داخلی مربوط می‌شود و ماده ۸ درخصوص آن اجرا نخواهد شد^۴. درواقع، قطعنامه مربوط به پذیرش اصلاحات، علی‌الخصوص، بندی را اضافه کرده است که تصریح می‌کند: «... عناصر جرایم ... مشخص می‌سازد رفتاری در زمینه و همراه با مخصوصه مسلحانه واقع می‌شود که نتیجتاً مستثنای صلاحیت دیوان را در وضعیت‌های مربوط به اجرای قانون تأیید می‌کند» (Combo, 2009: 55).

اما در چه مواردی دیوان به‌دنبال ترسیم چنین مرزی است؟ نخستین نشانه‌ای که در اساسنامه دیوان برقرار شده، این شرط

³ - <http://www.timesonline.co.uk/tol/news/uk/crime/article2666300.ece> (visited 10 September 2010).

⁴ - See Decision Pursuant to Article 61(7)(a) and (b) of the Rome Statute on the Charges against Jean-Pierre Bemba Gombo, Bemba Gombo (ICC 01/05-01/08), Pre-Trial Chamber, 15 June 2009.

¹ - <http://www.icrc.org/customary-ihl/eng/docs/v1> (visited 10 August, 2010).

² - See e.g. the statement of the Filipino representative, *supra* part 3.

صلاحیت دیوان تا این تاریخ نسبت به وضعیت‌های مخاصمات مسلحانه تقریباً روشن بوده است، البته در دیوان کیفری بین‌المللی راجع به این مسأله که آیا مخاصمه مورد نظر، بین‌المللی بوده یا خیر؟ اختلاف نظر وجود داشت و هر دو نوع مخاصمه مسلحانه از سوی شعب مقدماتی مختلف مصداق یافته است. در هیچ‌یک از وضعیت‌هایی که در دیوان مطرح بود، دادستان و متهم، راجع به این که آیا حداقل مخاصمه مسلحانه در سرزمین مورد نظر وجود داشته یا خیر، اختلاف نداشتند. به هر حال، سناریوهای واقعی وجود دارد که به مرز بین اجرای قانون و مخاصمه مسلحانه نزدیک‌تر است.

یکی از این موقعیت‌ها در پرونده بوسکوسکی^۲ و تارکولوسکی^۳ از سوی دیوان یوگسلاوی سابق بررسی شد. شعبه بدوی نتیجه گرفت که مخاصمات مسلحانه داخلی در مقدونیه در ۲۰۰۱ وجود داشته است که نیروهای دولتی مقدونیه (ارتش و پلیس) و ارتش آزادی‌بخش ملی^۴ در قالب یک گروه جنگجوی ۲۵۰۰-۲۰۰۰ نفری در آن مشارکت داشتند. شعبه، استدلال متهم را مبنی بر این که خشونت صرفاً پاسخی در اجرای قانون به تهدید تروریستی داخلی بوده است، رد کرد، اما اعلام کرد که این خطر جدی است، زیرا عوامل متعددی وجود داشت که این حقیقت را که خشونت، مخاصمه مسلحانه داخلی به‌شمار می‌رود، رد می‌کند. برای مثال، شعبه اشاره کرد که تعداد کمی از حوادث مصیبت‌بار وجود دارد (بالاترین برآورد این است که کل افرادی که در طول سال ۲۰۰۱ در نتیجه درگیری‌های نظامی کشته شده‌اند، ۱۶۸ نفر بودند) و خسارت مادی به اموال و مسکن، نسبتاً اندک بود (Boskoski, 2015: 86). شعبه استدلال کرد که این تعداد اندک می‌تواند ... نشان دهد که عملیات پلیس و ارتش در جهت اعمال و اجرای قانون بود. شعبه همچنین اشاره کرد که ادله‌ای وجود دارد که نشان می‌دهد هدف عملیات، اجرای قانون بود و باید به‌منظور تعیین موقعیت و بازداشت یا به‌نحو دیگری به اعضای ارتش آزادی‌بخش ملی و همچنین آن‌چه به‌عنوان (تروریست‌ها) در روستا توصیف شده است، رسیدگی شود. سرانجام شعبه نتیجه گرفت که به‌هر حال، سایر

این تعریف با تعریف با تعریف مخاصمه مسلحانه بین‌المللی که در رویه یوگسلاوی سابق استفاده شده است، هماهنگ است (Trial Comber, 2018: 55). مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی معمول می‌تواند شامل جنگ داخلی و انقلاب‌ها و وضعیت‌های براندازنده باشد، مانند سرکوب تظاهرکنندگان به دست پلیس محلی. مطابق با نظر کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، نمونه‌های مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی، شامل وضعیت افغانستان پس از عقب‌نشینی شوروی، سیرالئون، سری لانکا، لیبیا، لبنان در دهه ۱۹۸۰، چین، کنگو، رواندا و سومالی در دهه ۱۹۹۰ است.^۱ در مورد سایر وضعیت‌ها اختلاف نظر وجود دارد. برای نمونه، راجع به این که تا چه حد، «جنگ» ایالات متحده آمریکا علیه القاعده به جای این که مسأله اجرای قانون کیفری باشد، مخاصمه مسلحانه است، اختلاف نظر وجود دارد.

دیوان کیفری بین‌المللی قبلاً تأیید کرده است که دلایل مهمی وجود دارد تا اعتقاد داشته باشیم که مخاصمه مسلحانه در جمهوری دموکراتیک کنگو، جمهوری مرکزی آفریقا و سودان در زمان‌ها و مکان‌های مربوط به اتهامات وارده علیه متهمانی که در دیوان حاضر شده‌اند، وجود دارد. برای مثال، در این رابطه دیوان اظهار داشت که مخاصمه مسلحانه پنج ماهه می‌تواند طولانی‌مدت به‌شمار رود (Balendra, 2014: 42). دیوان اظهار داشت که شرط سازمانی برای گروه مسلح به‌معنای این است که گروه باید قابلیت برنامه‌ریزی برای انجام عملیات نظامی طولانی‌مدت را داشته باشد و تحت فرماندهی مسؤول باشد و استدلال کرده که شدت کافی، زمانی وجود دارد که خشونت در سراسر کشور پراکنده شود (Balendra, 2014: 234) و در مورد دیگر، جایی که بسیاری از حملات نظامی در دوره زمانی شش‌ماهه واقع شود و سبب بزه‌دیدگی بسیاری گردد. همچنین باعث شود که شورای امنیت به موجب فصل هفتم منشور ملل متحد در مورد خشونت، قطعنامه‌ای صادر کند، مضافاً این که دیوان، هیچ‌یک از مواردی را که نزد او مطرح شده به‌لحاظ فقدان اهمیت کافی، غیرقابل پذیرش اعلام نکرده است (Boskoski, 2015: 82).

³- Tarculovski

⁴- NLA

¹- [http://www.icrc.org/Web/eng/siteeng0.nsf/htmlall/5P8EX4/\\$File/LAW10_final.pdf](http://www.icrc.org/Web/eng/siteeng0.nsf/htmlall/5P8EX4/$File/LAW10_final.pdf) (visited 10 September 2020).

²- Boskoski

دانان که شاید تعداد آن‌ها اندک نباشد، درباره موفقیت دیوان در اعمال صلاحیت درخصوص جنایت تجاوز در آینده‌ای نزدیک خوش‌بین هستند، اما به‌نظر می‌رسد بدون رفع ابهام‌ها و تعارض‌های فوق‌الذکر، احتمال عدم موفقیت دیوان بیشتر است. بنابراین باید راهکاری برای برون‌رفت از این معضلات پیدا کرد.

تعدادی از حقوق‌دانانی که به بعضی از ابهام‌ها و تعارض‌های فوق‌الذکر توجه داشته‌اند، به‌طور صریح یا ضمنی با استناد به ماده (۱) ۱۱۹ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی که اصل صلاحیت در تعیین صلاحیت را درباره دیوان تأیید کرده است، معتقدند باید حل ایرادهای فوق را به تصمیم قضایی خود دیوان واگذار کرد.^۱

اما همان‌طور که بعضی از حقوق‌دانان اذعان کرده‌اند، به‌دلیل حساسیت شدید این موضوع، پیشنهاد فوق مورد موافقت همه حقوق‌دانان نیست (Zimmermann, 2011: 62). درواقع، به‌رغم این که پیشنهاد فوق درباره اکثر ایرادهای مطرح‌شده در بند ۴، عملی و مفید به‌نظر می‌رسد، اما با توجه به اهمیت ابهام در شیوه افزودن مقررات لازم به اساسنامه دیوان جهت اعمال صلاحیت درخصوص جنایت تجاوز و تعارض میان اساسنامه دیوان و اصلاحیه‌های کامپالا از جهت آیین لازم‌الاجرا شدن این اصلاحیه‌ها و اذعان گسترده حقوق‌دانان به وجود این دو ابهام و تعارض، به‌نظر نمی‌رسد واگذاری حل آن‌ها به تصمیم قضایی دیوان پیشنهاد مناسبی باشد. در عوض پیشنهاد می‌شود به دو راهکار کاملاً حقوقی برای برون‌رفت از معضلات فوق اتکا شود: راهکار اول، ارائه تفسیر رسمی از مواد ۲(۵) و ۱۲۱ اساسنامه دیوان و راهکار دوم، اصلاح ماده ۱۲۱ اساسنامه دیوان است.

۲-۱- ارائه تفسیر رسمی از مواد ۲(۵) و ۱۲۱ اساسنامه دیوان همان‌طور که بعضی از حقوق‌دانان تصریح کرده‌اند دلیل اصلی پیدایش دو معضل فوق - که مهم‌ترین چالش‌های حقوقی در فرایند عملی‌شدن صلاحیت دیوان درخصوص جنایت تجاوز هستند، عدم توافق دولت‌های عضو دیوان درباره تفسیر مواد

عوامل ... نشان می‌دهد که عملیات منحصرأ یا اساساً درجهت موارد اجرای قانون نبوده است و مجموعه ادله این نتیجه را می‌رساند که خشونت به اندازه مخاصمه مسلحانه افزایش پیدا کرده است (Akayesu, 1998: 62). نتیجه‌گیری و استدلال شعبه بدوی در این زمینه سرانجام از سوی شعبه تجدید نظر، مورد تأیید قرار گرفت. به نقل از یک مفسر، تصمیم دیوان یوگسلاوی در این مورد، مسائل مهمی را در رابطه با تفکیک درست بین جرم‌های جنایی عادی و جنایات جنگی مطرح می‌کند، به‌ویژه در زمینه مخاصمه غیرمشمخص و نامنظم که از نظر طبقه‌بندی‌شان بین مبارزه با تروریسم، ضدشورش یا کار عادی پلیس قرار می‌گیرد (Tarculovski, 2010: 89).

تصمیم دیوان یوگسلاوی در پرونده بوسکوسکی و تارکولوسکی نشان می‌دهد که دیوان می‌تواند نسبت به استثنائات اجرای قانون، در وضعیت‌های آینده که نزد دیوان مطرح می‌شود، رسیدگی کند. آستانه نسبتاً بالای مذکور در (مخاصمه مسلحانه) در رویه قضایی جنایات جنگی دیوان تا این تاریخ نشان می‌دهد که به‌هرحال، دیوان به‌آسانی نتیجه نخواهد گرفت که حساسیت لازم و سازمان برای مخاصمه مسلحانه وجود نداشته است (Thorlin, 2010: 38).

بنابراین از آنجا که وظیفه دیوان، محاکمه مرتکبان شدیدترین جنایات مورد اهتمام جامعه بین‌المللی به‌عنوان یک کل می‌باشد - با توجه به اهمیت آستانه قابلیت پذیرش برای صلاحیت دیوان در هر پرونده - اقدامات اجرای قانون داخلی احتمالاً با اصلاحات، دست‌نخورده باقی می‌ماند، به استثنای موارد احتمالی که ممکن است در چهارچوب مخاصمه مسلحانه گسترده‌تر، بروز و ظهور پیدا کند.

۲- راهکارهای رفع ابهام از مقررات مرتبط با جنایت تجاوز در چهارچوب اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی

اکنون با این همه ابهام و تعارض در اصلاحیه‌های کامپالا که در بند قبل به آن‌ها اشاره شد، آیا می‌توان به اعمال صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی درخصوص جنایت تجاوز امیدوار بود؟ در پاسخ به این سؤال باید گفت که اگرچه گروهی از حقوق

¹ - <http://treaties.un.org/doc/Publication/MTDSG/Volume%20II/Chapter%20XV%20III/XVIII-10.en.pdf> (last visited September 2013).

کنفرانس بازنگری، ماده ۱۲۱ اساسنامه را اصلاح کنند، به‌گونه‌ای که ابهام موجود در تفسیر مجموع مواد (۲) و ۱۲۱ اساسنامه رفع شود (باقری، ۱۳۸۴: ۸۴)، البته اگر چنین اصلاحیه‌ای پذیرفته شود و حتی پیش از تحقق شرایط لازم الاجرا شدن اصلاحیه‌های کامپالا نیز الزام‌آور شود، به‌نظر نمی‌رسد اثری بر اصلاحیه‌های کامپالا داشته باشد، زیرا اصلاحیه ماده ۱۲۱ نمی‌تواند عطف به ماسبق شود و بر اصلاحیه‌های کامپالا اثر گذارد. از این‌رو برای عملی شدن این راه حل، مجمع دولت‌های عضو دیوان یا کنفرانس بازنگری باید ضمن اصلاح ماده ۱۲۱، اصلاحیه‌های کامپالا را ملغی کند و آنگاه بعد از لازم‌الاجرا شدن اصلاحیه مربوط به ماده ۱۲۱، اصلاحیه‌های مربوط به جنایت تجاوز را براساس این آیین جدید، مورد بررسی و پذیرش قرار دهد، البته اگر ماده ۱۲۱ اصلاح‌شده، آیینی را برای اصلاح اساسنامه پیش‌بینی کند که شبیه آیین مندرج در اصلاحیه‌های کامپالا باشد، می‌توان فرایند فوق را به‌سرعت و با سهولت بیشتر انجام داد، زیرا بیش از دوسوم دولت‌های عضو دیوان که اصلاحیه‌های کامپالا را پذیرفته‌اند، قاعداً با این آیین موافق خواهند بود.

نتیجه‌گیری

باتوجه به تلاش‌هایی که انجام شده تا حمایت‌های مساوی را به غیرنظامیان و جنگجویان در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و غیربین‌المللی گسترش دهد، پذیرش اصلاحات ماده ۸ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی در کنفرانس بازنگری کامپالا، موفقیت مهمی محسوب می‌شود. باوجود این، هنوز در مقررات مربوط به جنایات جنگی اساسنامه دیوان، طبقه‌بندی دوگانه‌ای از مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و غیربین‌المللی وجود دارد که به‌سرعت در حال کنار گذاشته شدن است. آن‌گونه که کاسسه^۱ اظهار داشته است در جریان آمادگی برای برگزاری کنفرانس رم، در حقوق بین‌الملل عرفی، یک همگرایی از دو مجموعه در حقوق بین‌الملل وجود داشت با این نتیجه که نزاع داخلی در حال حاضر تا حدود زیادی مشمول قواعد و اصولی است که به‌طور سنتی تنها در مخاصمات مسلحانه اجرا می‌شود. کنفرانس رم از در نظر گرفتن این همگرایی کاملاً کوتاهی کرده

(۵) و ۱۲۱ اساسنامه بوده است. از این‌رو پیش از هر اقدامی باید این ایراد را برطرف کرد. برای رفع این ایراد می‌توان به ماده ۲(۱۱۹) اساسنامه دیوان اتکا کرد که بیان می‌کند: «هر اختلافی میان دو یا چند دولت عضو دیوان درباره تفسیر یا اجرای این اساسنامه که طی سه‌ماه از شروع آن از طریق مذاکره حل‌وفصل نشود، به مجمع دولت‌های عضو دیوان ارجاع می‌شود. مجمع می‌تواند خود درصدد حل‌وفصل اختلاف برآید یا آن‌که درباره راه‌های دیگر حل‌وفصل اختلاف، از جمله ارجاع به دیوان بین‌المللی دادگستری در چهارچوب اساسنامه آن دیوان، توصیه‌هایی کند» (آقایی، ۱۳۹۰: ۵۶).

بر این اساس، باتوجه به این‌که شرایط لازم‌الاجرا شدن اصلاحیه‌های کامپالا حداقل تا اول ژانویه ۲۰۱۷ محقق نخواهد شد. مجمع دولت‌های عضو دیوان می‌تواند با استناد ماده ۲(۱۱۹) اساسنامه، تفسیری رسمی از مواد ۲(۵) و ۱۲۱ ارائه دهد یا چنین تفسیری را از دیوان بین‌المللی دادگستری درخواست کند، البته باتوجه به این‌که تفسیر یک قاعده حقوقی، عطف به ماسبق می‌شود و از زمان وضع قاعده حقوقی دارای اعتبار است و نیز با در نظر گرفتن مطالب مندرج در بندهای ۴-۲ و ۴-۱ این نوشتار، مبنی بر عدم مطابقت آیین لازم‌الاجرا شدن اصلاحیه‌های کامپالا با هیچ‌یک از چهار تفسیر برآمده از مجموع مواد ۲(۵) و ۱۲۱ اساسنامه، می‌توان گفت که اعمال راه حل فوق منجر به بی‌اعتباری اصلاحیه‌های کامپالا خواهد شد (فلسفی، ۱۳۹۸: ۵۴). باوجود این، اعمال راه حل فوق، راه مجمع دولت‌های عضو دیوان یا کنفرانس بازنگری جدید را برای تهیه مقررات لازم جهت اعمال صلاحیت دیوان درخصوص جنایت تجاوز باز می‌کند، به‌ویژه آن‌که می‌توان چنین مقرراتی را با کمک گرفتن از اصلاحیه‌های کامپالا که به پذیرش بیش از دوسوم دولت‌های عضو دیوان رسیده است، تهیه کرد.

۲-۲- اصلاح ماده ۱۲۱ اساسنامه دیوان

راه حل دیگر برای حل معضلات فوق، این است که پیش از تحقق شرایط لازم‌الاجرا شدن اصلاحیه‌های کامپالا، دولت‌های عضو دیوان در یکی از جلسات مجمع یا با تشکیل یک

^۱ - Cassesse

را مورد بررسی و پذیرش قرار دهد. در این صورت می‌توان به اعمال صلاحیت دیوان در خصوص جنایت تجاوز در آینده‌ای نزدیک امیدوار بود.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانت‌داری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردید.

تعارض منافع: تدوین این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهم نویسندگان: نگارش مقاله به‌صورت انفرادی توسط نویسنده انجام گرفته است.

تشکر و قدردانی: از تمام کسانی که بنده را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، سپاسگزارم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی سامان یافته است.

منابع و مأخذ

- ارسنجانی، ماهنوش (۱۳۷۸). *اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی رم؛ دیوان کیفری بین‌المللی و جمهوری اسلامی ایران*، به اهتمام اسحاق آل حبیب، تهران: وزارت امور خارجه.

- آقایی جنت‌مکان، حسین (۱۳۹۰). «تعریف، عناصر و شروط اعمال صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری نسبت به جنایت تجاوز با نگاهی به موافقتنامه کامپالا». *مجله حقوقی بین‌المللی*، ۴۴:

- بلدسو، رابرت و بوسچک، بلسلو (۱۳۹۵). *فرهنگ حقوق بین‌الملل*. ترجمه بهمن آقائی، تهران: گنج دانش.

- شریعت باقری، محمدجواد (۱۳۸۴). *حقوق کیفری بین‌المللی*، چاپ دوم، تهران: جنگل.

- فلسفی، هدایت‌الله (۱۳۹۸). *حقوق بین‌الملل معاهدات*. چاپ اول، تهران: فرهنگ نشر نو.

ب. منابع انگلیسی

است و کنفرانس کامپالا تنها تا جایی آن را پذیرفت که نسبت به جرایم مربوط به سلاح‌هایی که هرگز عملاً در دیوان کیفری بین‌المللی یا در دیوان کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق تحت تعقیب قرار نگرفته است، اجرا می‌شود.

باتوجه به این که دو حقیقت مهم که پیش شرط رسیدگی در نزد دیوان است، باید محقق شود تا دیوان بتواند صلاحیت خود را در پرونده جنایات جنگی که متضمن استفاده از این‌گونه سلاحه است، اعمال نماید. نخست، دیوان لازم است نتیجه بگیرد که (مخاصمه مسلحانه)، شدت و سازمان‌یافتگی لازم را داشته است؛ دوم، اهمیت و شدت آستانه قابلیت پذیرش جداگانه برای اعمال صلاحیت دیوان در پرونده است. این پیش‌شرطها بدین معنی است که اقدامات مربوط به اجرای قانون داخلی احتمالاً هیچ تغییری با اصلاحات در آن‌ها صورت نگرفته است. محدودکردن وظیفه دیوان به مخاصمات عظیم و شدید می‌تواند به این معنا نیز باشد که استفاده از وسایل کنترل شورش و سایر مواد مشابه، هرگز به‌سادگی از سوی دیوان مورد رسیدگی قرار نمی‌گیرد.

می‌توان گفت که نه‌تنها آیین لازم‌الاجراشدن اصلاحیه‌های کنفرانس بانگری کامپالا در خصوص جنایت تجاوز آن‌گونه که در این اصلاحیه‌ها پیش‌بینی شده است، با آیین اصلاح مندرج در اساسنامه دیوان در تعارض است، بلکه این اصلاحیه‌ها و اساسنامه دیوان، در خصوص حقوق و تعهدات دولت‌های عضو و دولت‌های غیرعضو دیوان نیز در تعارض با یکدیگر هستند. از این رو، اجرایی‌شدن اصلاحیه‌های کامپالا، نه‌تنها ممکن است منجر به نقض حقوق معاهداتی بعضی از دولت‌های عضو دیوان شود، بلکه قواعد عام حقوق بین‌الملل در زمینه آیین اصلاح معاهدات را آن‌گونه که در عهدنامه ۱۹۶۹ وین حقوق معاهدات آمده است نیز به خطر می‌اندازد. بنابراین پیشنهاد می‌شود مجمع دولت‌های عضو دیوان هرچه سریع‌تر و پیش از تصمیمی که احتمالاً بعد از اول ژانویه ۲۰۱۷ در خصوص لازم‌الاجراشدن اصلاحیه‌های کامپالا اتخاذ خواهد کرد، با پذیرش یک تفسیر رسمی از مواد ۲(۵) و ۱۲۱ اساسنامه و یا با اصلاح ماده ۱۲۱ اساسنامه، یک‌بار دیگر مقررات لازم برای تعریف جنایت تجاوز و تعیین شرایط اعمال صلاحیت دیوان در خصوص این جنایت

- *Rome Statute of the International Criminal Court* (1998). Signed on 17 July 1998, Came into force on 1 July 2002, available online at: http://www.icc-cpi.int/nr/rdonlyres/ea9aeff7-5752-4f84-be94-0a655eb30e16/0/rome_statute_english.pdf (last visited September 2013).
- ICRC Customary Law *Study of International Humanitarian Law* (ICRC Study) (2010). Rules 70 and 77, available online at <http://www.icrc.org/customary-ihl/eng/docs/v1> (visited 10 August 2010).
- Statement by Luis Moreno-Ocampo, *Prosecutor of the ICC, Informal meeting of Legal Advisors to Ministries of Foreign Affairs* (2006). New York, ICC-02/04-01/05-67, 24 October 2005.
- *Status of the Rome Statute of the International Criminal Court* (2013). Available online at: <http://treaties.un.org/doc/Publication/MTDSG/Volume%20II/Chapter%20XV%20II/XVIII-10.en.pdf>
- Stewart (2003). *Towards a Single Definition of Armed Conflict in International Humanitarian Law: A Critique of Internationalized Armed Conflict* (2003). 85 *International Review of the Red Cross*: 313-350.
- Zimmermann, A (2012). "Amending the Amendment Provisions of the Rome Statute". *Journal of International Criminal Justice*, Vol. 10, 2012.
- Bemba Confirmation Decision; Decision on the Confirmation of Charges, Abu Garda (ICC-02/05-02/09-243-Red), Pre-Trial Chamber, February 2010, xx 56-57.
- *Boskoski and Tarculovski Trial Judgment* (2015). Note 52.
- Fesco, A (2015). *Officers fired "dumdum" bullets to ensure Jean Charles de Menezes died instantly*, *The Times*, 16 October 2007, available online at: <http://www.timesonline.co.uk/tol/news/uk/crime/article2666300.ece> (visited September 2015).
- Heller, K (2012). "The Uncertain Legal Status of the Aggression Understandings". *Journal of International Criminal Justice*, Vol. 10.
- Thorlin, J (2009). "Dershowitz Seeks to Distinguish Crimes in ICTY Appeal". *Harvard National Security Journal*, available online at: <http://www.harvardnsj.com/2009/11/dershowitz-seeks-to-distinguish-crimes-in-icty-appeal/> (visited 15 September 2010).
- Kreb, C & Holtendorff, L (2010). "The Kampala Compromise on the Crime of Aggression". *Journal of International Criminal Justice*, Vol. 8.
- Balendra, N (2014). "Defining Armed Conflict". *Cardozo Law Review*, Vol. 9.
- O'Connell, M & Niyazmatov, M (2012). "What is Aggression? Comparing the Jus and Bellum and the ICC Statute". *Journal of International Criminal Justice*, Vol. 10.
- *Official Records of the Assembly of States Parties to the Rome Statute of the International Criminal Court*, Eighth Session, the Hague (2009). 18-26 November, ICC-ASP/8/20, vol. 1, part II, Resolution ICC-ASP/8/Res.6, x 3 and annex III (for the amendment to the Statute).
- *Review Conference of the Rome Statute of the International Criminal Court*, 31 May- 11 June, (2010). Kampala, Uganda, RC/Res.6, available online at: http://www.icc-cpi.int/iccdocs/asp_docs/ASP9/OR/RC-11-ENG.pdf (last visited September 2013).